

# آواز پر جبرئیل و لغت موران

## بررسی دو رساله آواز پر جبرئیل و لغت موران شیخ اشراق

### صدیقه مهربان\*

#### مقدمه

در فلسفه و عرفان اسلامی، که ایرانیان در پایه‌گذاری آن نقشی بسزا داشته‌اند، اشخاصی برخاسته‌اند که در پیشرفت افکار انسانی، کمک فراوانی نموده‌اند و مسلماً یکی از آنها شیخ شهاب‌الدین سهروردی است.

شخصیت عظیم و کم‌نظیر شیخ شهاب‌الدین یحیی بن سهروردی، حکیم متألّه و ملقب به شیخ اشراق، مؤسس دومین نظام فلسفه اسلامی به نام «حکمة الإشراق»، از چهره‌های عجیب قرن ششم هجری است که به حکمت، فلسفه و عرفان جان و توانایی تازه بخشیده است. سهروردی آزاده و اندیشمند، با انتخاب نام «اشراق» بر فلسفه خود، توانست با وجود علمای مذهبی و متعصبان قشری جامعه خود، با زبان زیبا و لطیف رمز و اشاره، منظرهایی دل‌انگیز از جهان هستی و منازل سلوک روحانی، پیش چشم خواننده تصویر کند و مقصد والای انسان گم‌گشته و دورمانده از وطن را نشان دهد. تأثیر شگفت‌وی بر روند فکر فلسفی، بویژه در جهان اسلام، و پی‌ریزی مکتبی گسترده و عمیق که فرهنگ و حکمت ایرانیان باستان و یونان قدیم را با عرفان اسلامی پیوند داد و گذر از دوران باستان به دوره اسلامی را از دیدگاه فلسفی امکان‌پذیر کرد و استدلال و نظر را به یاری ذوق و شهود، قداست بخشید، چیزی است که مشتاقان علم و معرفت را به تحسین و تکریم وا می‌دارد و شوقی برای مطالعه آثارش برمی‌انگیزد.

حکمای بسیاری رمز و راز را روش کار و طریقه بیان افکار خود انتخاب کرده‌اند. بعضی از آنان از اساطیر حکمت به شمار می‌آیند.

حکمت مشرقیه، همان حکمتی است که رمز و راز در آن بسیار دیده می‌شود. از نقش قوه خیال و وهم در کنار عقل و اشراق، نمی‌توان چشم پوشید. شیخ اشراق درک حقایقی را که برایش حاصل شده، به صورت رمز بیان نموده است. رمز‌گویی در ادبیات عرفانی ایرانی، خصوصاً در زبان عرفای شاعر، بیشتر مشاهده می‌شود؛ ولی اینکه علت «نمادین»

در تقویم رسمی کشور ما ایران، هشتم مرداد روز بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی، شیخ اشراق، نامگذاری شده است. این مقاله - که انتشار آن در مردادماه میسر نشد - یادکردی است از این فیلسوف نامدار و نگاهی است به دو نوشته فارسی تمثیلی از او.

#### چکیده

در این مختصر، به بررسی دو داستان‌واره کوتاه از آثار شیخ شهاب‌الدین سهروردی به نام‌های «آواز پر جبرئیل و لغت موران» پرداخته شده که از مهم‌ترین آثار وی در زمینه داستان تمثیلی به شمار می‌روند. مسائل تمثیلی و رمزی سهروردی بیش از آثار تعلیمی و مدون او از لحاظ شناخت عقیده باطن و گرایش حکمتی و عرفانی شیخ، ارزش و اهمیت دارد و آینه‌ای است که صورت واقعی و بی‌حجاب سهروردی را به ما نشان می‌دهد. در این دو کتاب - که در فصل‌های اول و دوم، به هر یک از آنها به طور مجزاً پرداخته شده است - سهروردی، روش تمثیلی را برای تعلیم مقاصد فلسفی و عرفانی با شیوه رمزی استفاده نموده است؛ بدین معنی که اجزاء تمثیلات نیز دوشادوش قالب کلی تمثیل، به عنوان رموزی برای افاده معانی و مفاهیم منظور، دارای وظیفه هستند. سهروردی با وجود کمی عمر، حدود ۵۰ کتاب به فارسی و عربی نوشته که بیشتر آنها در دست است. نوشته‌های وی سبکی جذاب دارد و از لحاظ ادبی، ارجمند است و آنچه به فارسی است، از شاهکارهای نثر این زبان به شمار می‌رود که بعدها سرمشق نثرنویسی داستانی و فلسفی شده است.

خلاصه سخن اینکه، نمادین سخن گفتن، از ویژگی‌های حکما و عرفاست و سهروردی در این زمینه بسیار پیشرو بوده، به طوری که کتب بسیاری از او به زبان رمزگونه نوشته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** رمز، اشراق، پر جبرئیل، معراج، معرفت، لغت موران، عالم لاهوت، عالم ناسوت.

سخن گفتن چیست، دلایل و علل مختلفی وجود دارد که در بخش اول به آن پرداخته می‌شود.

برای دست یافتن به بصیرت کامل دربارهٔ رسالت سهروردی و منظرهٔ کلی نوشته‌های او، لازم است که حکایات تمثیلی وی، بجز آنچه در حکمت اشراق آمده، مطالعه شود. اینها رساله‌های کوتاه، رمزی و صوفیانه‌اند که تجربهٔ روحی‌ای خاص در آنها به زبانی بسیار رمزی بیان شده است. در هر رساله، مرحله‌ای از حیات روحی و تجربیات درونی آشکار شده و از دسته‌ای از رموز پرده برداشته شده است، و بنابراین با نظری اجمالی نسبت به جهان اشراق، روح خود سهروردی به دست می‌آید.

سهروردی را گاهی به این متهم کرده‌اند که تمایلات ضد اسلامی داشته و می‌خواسته است دین زردشتی را در برابر اسلام از نو زنده کند؛ ولی حقیقت امر چنین نیست. البته سهروردی تمثیلات و رمزهای زردشتی را برای بیان نظریات خویش فراوان به کار برده است، ولی این امر به هیچ وجه مستلزم آن نیست که عقاید وی برخلاف اسلام بوده باشد.

### آواز پر جبرئیل

شخصیت‌ها و اشیائی که یا بر حسب قرارداد و یا به علت دارا بودن صفات و استعدادهای غالب طبیعی و مادی و یا به سبب صفات غالب و خارق‌العاده ناشی از نقش اغراق‌آمیزشان در افسانه‌ها و اساطیر، صفت رمزی و سمبولیک یافته‌اند، موضوع بحث است.

### ۱. رمز / نماد

«رمز» کلمه‌ای است عربی که در زبان فارسی هم به کار می‌رود. این کلمه در اصل، مصدر مجزّد از باب نَصَرَ، يَنْصُرُ، ضَرَبَ، يَضْرِبُ است. معنی آن، به لب یا چشم یا به ابرو یا به دهان یا به دست یا به زبان اشارت کردن است. این کلمه، مانند زبان عربی، در زبان فارسی نیز به معنی‌های گوناگون به کار رفته است؛ از جمله، اشاره، راز، سرّ، ایما، دقیقه، نکته، نشانه، علامت، اشارت کردن، پنهان، نشانهٔ مخصوص که از آن مطلبی درک شود، چیز نهفته میان دو یا چند کس که دیگری به آن آگاه نباشد و بیان مقصود با نشانه‌ها و علائم قراردادی است.

آنچه در تمام معنی‌های فوق مشترک است، صریح نبودن و پوشیدگی است. رمز در قرآن کریم یک بار آمده است: «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ الْأَنْتَ كَلِمَ النَّاسِ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ الْآرْمَأُ» (آل عمران: ۴۱). میبیدی این آیه را چنین ترجمه کرده است: زکریا گفت: «خداوند من، نشانی بخش مرا. جواب داد وی را که نشانی تو آن است که سخن نگوید با مردمان سه روز، مگر نمودنی و اشارتی». وی کلمهٔ «نمودن» را، چه تنها و چه همراه سان، در ترجمهٔ «مَثَل» نیز آورده است. بنابراین «مثل» و «مثال» و «سان» و «نمودن» را نیز می‌توان از جمله معنی‌های رمز شمرد.

این کلمه دو معنی اصطلاحی دیگر در علم بیان و تصوف دارد. در علم بیان، رمز، یکی از انواع کنایه محسوب می‌شود و گفته‌اند: «رمز، کنایه‌ای است که وسایط آن اندک باشد و معنی پنهان و احتیاج به

قدری تأمل داشته باشد». در آثار متصوفه نیز گاهی رمز به عنوان اصطلاح تعریف شده است: «رمز عبارت از معنی باطنی است که مخزون است تحت کلام ظاهری که غیر از اهل آن به آن دست نیابند». جدا از این معنی خاص اصطلاحی، کلمهٔ «رمز» به معنی مرموز، یا معنی باطنی و مجازی و پوشیده نیز به کار رفته است؛ چنان که صاحب مرزبان‌نامه، پس از ذکر داستانی که دارای معنی پوشیده و مجازی - علاوه بر معنی ظاهر - است، می‌نویسد: «اکنون ای فرزندان، مستمع باشید و خاطر بر تفهّم رمز این حکایت مجتمع دارید» (سعدالدین وراوی، ص ۴۳). با صرف نظر از معانی «رمز» (پوشیده و پنهان در زیر ظاهر کلام)، اگر بخواهیم معنی‌ای کلی و شامل از آن بیان کنیم، باید بگوییم: رمز عبارت از هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی است که بر معنی و مفهومی وراى آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت دارد (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۴).

### ۲. رمزآینی سهروردی و نمادها در داستان‌های وی

چرا سهروردی از شیوهٔ رمزی بهره گرفته است؟ این سؤال دربارهٔ او و هر شیوهٔ رمزی دیگر، مثلاً شیوهٔ مولوی و حافظ، می‌تواند مطرح شود. برای رمزپردازی شیخ می‌توان ۴ علت را بیان کرد: (سیدعرب، ۱۳۷۸: ۴۰).

الف. گاهی استفاده از رمز، برای زیبایی در گفتار و آرایش کلام است. این هدف در بسیاری از رموز رسایل تمثیلی شیخ وجود دارد. ب. ممکن است استفاده از این شیوه برای افزایش بلاغت باشد؛ مثلاً سهروردی از نیروی معنوی و بار عظیم واژه‌ها، که شامل معانی مهم اساطیری، سنتی و معتقدات پیشینیان است، کمک می‌گیرد و نقص زبانی را این چنین برطرف می‌کند.

ج. گاهی برای ایجاد جذابیت بیشتر در پیروان و تهییج مریدان استفاده شده است؛ مانند: نوراسفهد، هورخش، یبایح خرّه، فرّه

پاره‌ای از اندیشه‌ها و تعبیرات عرفانی  
فوق‌العاده زیبایی را که سهروردی آفریده،  
دیگران اقتباس کرده‌اند و شیخ حقی عظیم  
بر گردن عارفان دارد. از میان آنها، حافظ  
بیش از دیگران وامدار این پاره‌های زیبا و  
نورانی است. طرح مغانه‌ها و استفادهٔ عرفانی  
از آن، طرح فلسفهٔ خلقت و تجلی عشق  
بر وجود، همه بر گرفته از شیوهٔ نگاه شیخ و  
مبادی مربوط به آن است

پاره‌های از  
تعبیرات عرفانی  
فوق‌العاده  
زیبایی را که  
سهروردی آفریده  
دیگران اقتباس کرده‌اند  
و شیخ حقی عظیم  
بر گردن عارفان دارد.  
از میان آنها، حافظ  
بیش از دیگران وامدار  
این پاره‌های زیبا و  
نورانی است.

نورانی<sup>۲</sup>، ده پیر، ناکجا آباد و... که دل خواننده را مجذوب می‌کند.

د. انگیزه دیگر، کتمان اسرار ناهلان است، که در رساله لغت موران درباره تظاهر هُدهُد به روزگوری ذکر شده است. این انگیزه، درباره همه آیین‌های مخفی، اعم از دینی، مذهبی و عرفانی، مصداق دارد.

تمام علت‌های ذکر شده، در پیروی سهروردی از شیوه رمزپردازی مؤثر است. برای یافتن دید کلی نسبت به افکار و نمای کلی نوشته‌های او، لازم است حکایات تمثیلی او نیز مطالعه گردد. داستان‌های تمثیلی شیخ، معمولاً نمادهایی دارد که اشاره به معانی خاص عرفانی است. او مطالب عرفانی را در قالب نماد بیان نموده است. داستان‌های تمثیلی شیخ اشراق، شیرین، جذاب و در بیان حالات نفس و آراء اشراقی است و بنا به گفته محققان، با آنکه فیلسوف است، ولی رنگ تصوف نیز در نوشته‌هایش نمودار است.

### ۳. تأثیر رموز شیخ اشراق بر بزرگان عرفان‌گرای ادب فارسی

نقش شیخ اشراق، از لحاظ ادبی و مسائل و موضوعات آن، از قبیل قالب‌ها، نثر، ترکیبات و تعبیرات ادبی زبان، درخور توجه و برجسته نیست و کمتر شاعر یا نویسنده‌ای است که از لحاظ شیوه زبان، به طور مستقیم یا غیر مستقیم از وی تأثیر پذیرفته باشد؛ اما بزرگان بسیاری هستند که از لحاظ نوع نگاه، شیوه تحلیل و طرز برخورد با مسائل گذشته و زمان خود، در وادی تصوف و حکمت از شیخ اثر پذیرفته‌اند. این اثرگذاری دو گونه بوده است:

**الف.** روش و کل سیستم اشراق را پذیرفته‌اند و از نوع نگاه و برخوردی در باب مسائل صوفیانه بهره جسته‌اند و آن را به عنوان ابزاری مناسب برای طرح مسائل تصوف به کار گرفته‌اند؛ چنان که عطار در منطق الطیر و مولانا در مثنوی از شیوه رمزآمیز او بهره می‌گیرند. بسیاری از مفاهیم و موضوعات رمزآمیز در منطق الطیر عطار و استفاده وسیع از پرندگان و وادی‌های مختلف در رویارویی با سیمرغ، در حقیقت نخستین بار در آثار رمزی شیخ اشراق به بیان آمده است؛ اگر چه وی نیز مبدع و مخترع آنها نیست و قبل از او به نوعی در آثار غزالی و ابن سینا گفته شده است. این تأثیر، هم بر قالب داستانی و خلق شخصیت و قهرمانان بوده و هم از جهت گسترش عمیق حوزه مفاهیم بوده است؛ مثلاً نام مولانا و شوق بازگشت به نیستان و شکایت و حکایت جدایی‌ها و غربت انسان در هستی، زمینه‌اش از امثال قصه غربت غریبه سهروردی اقتباس شده است.

ب. پاره‌ای از اندیشه‌ها و تعبیرات عرفانی فوق‌العاده زیبایی را که سهروردی آفریده، دیگران اقتباس کرده‌اند و شیخ حقی عظیم بر گردن عارفان دارد. از میان آنها، حافظ بیش از دیگران و امادار این پاره‌های زیبا و نورانی است. طرح مغانه‌ها و استفاده عرفانی از آن، طرح فلسفه خلقت و تجلی عشق بر وجود، همه برگرفته از شیوه نگاه شیخ و مبادی مربوط به آن است (مجتبی، ۱۳۷۹: ۴۷۶). برای شیوه اقتباس حافظ از آثار شیخ، می‌توان غزل:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد  
را مثال زد و دریافت که شیخ چه گفته و حافظ آن را چگونه آورده است.

با وجود اینکه مولانا در بهره‌گیری از شیوه تمثیلی، از سهروردی اثر پذیرفته، اما شیوه تمثیلی شیخ با تمثیلات مولانا متفاوت است. مولانا تمثیل را کاملاً عادی بیان می‌کند و تمام آن را وسیله‌ای برای بیان و فهم هدف فلسفی و عرفانی خود قرار می‌دهد؛ اما شیوه رمزی و تمثیلی شیخ شهاب بر عکس شیوه مولانا است؛ یعنی هر جمله و بخشی از تمثیل وی، بیانگر رمزی از موضوعی است. شاید بتوان شیوه مولوی را «شیوه تمثیلی» و شیوه شیخ را «شیوه رمزی» نامید.

شایسته است شیوه سهروردی را در استفاده از روش تمثیلی جهت بیان اهداف فلسفی و عرفانی، شیوه رمزی بنامیم؛ به این معنی که عناصر تمثیل همراه قالب کلی تمثیل، به عنوان رموزی برای بیان معانی و مفاهیم، دارای وظیفه‌ای هستند. پس شیخ، هم از تمثیل کلی و هم از رموز در کلام خود استفاده می‌کند. از مهم‌ترین موضوعات درباره شیوه تعلیم و بیان سهروردی، استفاده از رموز و مسئله رمزآینی در تعلیم حکمت و عرفان است. این رموز را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد: نخست. اصطلاحات و رموز اشراقی، که به نور و ظلمت در نظام اشراقی او متعلق است. تنوع این رموز کم است.

دوم. اصطلاحات خسروانی یا رموزاره‌های ایران باستان.

سوم. رمز تمثیلی، که بیشتر در رسائل تمثیلی وجود دارد. در این نوع رموز، شهاب‌الدین برای استفاده از آنها از قوه ابداع و ابتکار و تخیل خود با دامن‌های وسیع بهره جسته است (سیدعرب، ۱۳۷۸: ۱۸).

### ۴. شیوه نگارش آواز پر جبرئیل

رساله آواز پر جبرئیل، یکی از رسائل فارسی سهروردی است که انتسابش به شیخ، قطعی است. این رساله یک بار توسط هانری گربن و پاول کراوس، تحت عنوان (Le Bruissement de l'Aile de Gabriel traite philosophique et mystique)، مبتنی بر دو نسخه ایاصوفیه (شماره ۴۸۲۱) و شهید علی‌پاشا (شماره ۲۷۰۲)، با ترجمه فرانسوی و حاشیه چاپ شده و بار دیگر توسط مرحوم دکتر مهدی بیانی، مبتنی بر نسخه معروف کتابخانه سلطنتی ایران به طبع رسیده است (نصر، ۱۳۷۱: ۴۷).

دکتر ذبیح‌الله صفا درباره شیوه نگارش رساله چنین گفته است: «شیوه نگارش شهاب‌الدین در این رساله، بسیار ساده و روان است. شیخ این رساله تمثیلی و رمزی را به صورت داستان، همراه با سؤال و جواب و با لحن عادی و شیوه‌ای نزدیک به لهجه مخاطب نوشته است. از این رو می‌توان آن را به مثابه نمونه‌ای طبیعی از زبان پارسی قرن ششم دانست که در میان مردم رایج بود (صفا، ۱۳۷۲: جلد ۲، ص ۹۹۷). اما به نظر می‌رسد وجود لغات عربی و شیوه رمزی، نثر وی را ثقیل کرده است.

### ۵. کلیات رساله

نام این رساله، آواز پر جبرئیل، خود نشان‌دهنده رمزی بودن آن است و از نامش نفحات روحانی به مشام می‌رسد. بسیاری از اصطلاحات آن،

معمّاگونه و رمزی است و در اغلب موارد تشبیهات و استعاراتی به کار برده که مشبّه به آن پیچیده و مبهم است و همین امر موجب دشواری فهم آن گردیده است. اگرچه بخشی از مطالب رساله و بخصوص «کلمه»، خالی از بیان مستقیم نیست، ولی رساله از رسائل تمثیلی و غیر مستقیم شیخ محسوب می‌شود. رموزات این رساله از نمادهای سنتی عرفان و تعدادی هم از نمادهای مخصوص به خود اوست که نمی‌توانیم آنها را در ادبیات صوفیانه قدیم بیابیم.

شیخ رساله را با نام خداوند شروع کرده، که حاکی از اعتقاد او به مبدأ یکتاست. اعتقاد او، اعتقادی راستین و واقعی است؛ تعصبات مذهبی و اوضاع جامعه ایجاب می‌کرد که سخن را به گونه رمز بیان کند.

رساله حکایت از معراج روحانی شیخ دارد و از محتوای آن چنین استنباط می‌شود که در خواب بوده است نه در بیداری. قبل از ورود به داستان، به انگیزه پدید آمدن آن اشاره شده است. انگیزه تألیف این رساله، انکار یکی از اعمی و شان است که از سر قصور و تعصب و نقص بصیرت در حق مشایخ سلف بیهوده می‌گوید. حکایتی نقل می‌کند از خواجه ابوعلی فارمدی، که از او پرسیدند: چرا کبودپوشان بعضی اصوات را پر جبرئیل خوانند و بیشتر آنچه حواس مشاهده می‌کند، از آواز پر جبرئیل است؟ او به سائل گفت: از جمله آوازه‌های پر جبرئیل، یکی تویی. این منکر مدعی، تعصب بی‌فایده می‌کرد که چه معنی برای این کلمه می‌توان فرض کرد الا هذیانان مزخرف؟ سهروردی که این جسارت مدعی را می‌بیند او را عامی می‌خواند و می‌گوید: «اینک من در شرح آواز پر جبرئیل به عزمی درست و رایب صائب شروع کردم، تو اگر مردی و هنر مردان داری، فهم کن؛ و این جزو را آواز پر جبرئیل نام کردم».

پس از مقدمه کوتاه، رساله به صورت حکایتی از زبان اول شخص نقل می‌شود و در شب اتفاق می‌افتد. این جواب و دفاع، بهانه تألیف یکی از ژرف‌ترین رسائل حکمت سهروردی قرار گرفته است.

حکایت به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول درباره طالب حقیقتی (شیخ اشراق) است که به خانقاهی می‌رود که دارای دو در است؛ یکی از درها به شهر و دیگری به صحرا. طالب حقیقت به صحرا می‌رود. در بین راه به ده تن مردان کارآموده برمی‌خورد که هیبت و ایهت آنها وی را مرعوب می‌کند. قهرمان داستان از حکیمی که پیامبر درون او فرشته راهنمای او در راه رسیدن به حقیقت است، می‌پرسد که منزل او کجاست و به پرسیدن از وی در باب معمای خلقت، مقامات طریقت، ساختمان افلاک، عالم مجردات و خطرات آن می‌پردازد. گفت‌وگویی که به دنبال آن پرسش‌ها می‌آید، عناصر اساسی تعالیم اشراقی و آداب ورود به طریقت را که برای درک اسرار قرآنی لازم است، روشن می‌کند.

در بخش دوم این داستان، آهنگ کلی کتاب شاگرد (قهرمان داستان) از استاد می‌خواهد که اسم اعظم را به او بیاموزد. حکیم موافقت می‌کند و نخست پیر «هجایی بس عجب» یا بنا به قول سیدحسین نصر «اسرار علم جفر»<sup>۴</sup> را به او می‌آموزد که علم باطنی

به معانی حروف و کلمات از طریق رمز و تمثیل عددی آنهاست (نصر، ۱۳۷۱: ۹۲). سپس می‌گوید خدا کلماتی مانند فرشتگان را آفرید و کلمه اعلی را آفرید که بسیار برتر از فرشتگان است؛ همان طور که نور خورشید از ستارگان برتر است. انسان نیز، خود کلمه‌ای از خداوند و آوازی از جبرئیل است. بال‌های جبرئیل بر فراز آسمان‌ها و زمین گسترده است. این جهان سایه‌ها یا مغرب چیزی جز سایه بال چپ جبرئیل نیست؛ همان گونه که جهان انوار ملکوتی یا مشرق، انعکاسی از بال راست اوست.

به این ترتیب، همه موجودات این جهان از آواز پر جبرئیل به وجود آمده است. با کلمه و با آواز پر این فرشته مقرب است که انسان پیدا شده و با کلمه - یعنی با اسم الهی - است که وی کمال می‌یابد و به حالت اصلی و اصل خویش می‌رسد (همان: ۹۲).

### ۶. محور رساله

در این رساله، سهروردی عناصر بنیادی معرفت‌شناسی خود را از دیدگاه حکمت الهی بیان می‌کند. او با تکیه بر نمادهای سنتی شعر و نثر صوفیانه، به اختلافاتی که میان عقل‌گرایان و طرفداران شیوه عرفانی است، می‌پردازد. محور رساله از رموز علم خیاطت، علم کلام خدای، کلمات و پر جبرئیل تشکیل شده است. مقصود از خیاطت، قدرت تصرف



و ابداع، و منظور از علم کلام خدای، علم عین و کشف است. مقصود از «کلمات علیا»، نور اول یا عقل اول، کبریات عقول، «کلمه کبری» عقل عاشر یا روح القدس یا جبرئیل، «کلمات صغری» نفوس ناطقه و «انوار اسفهدیه» یا انوار علوی ساطع به عالم ناسوت و به اعتباری، نفوس و املاک و عناصر و جناحین جبرئیل، دو جنبه نسبت لاهوتی و اضافت ناسوتی، یا فطرت وجودی و وجهه عدمی است.

از کلمات همان روح تلقی شده و این وسیله توجیه و بیان قابلیت صعود روح به عالم بالا قرار گرفته است. مفهوم «کلمه» در نظر سهروردی، وسیع تر و اعم از عقل و نفس در اصطلاح حکمت است و به معنی مطلق نور و صادرات روحانی و عناصر لاهوتی منبعث از نور الانوار است (منتخبی از مقالات، حسن سید عرب، ص ۱۴).

### ۷. چند نمونه از تمثیلات

ده پیر خوب سیمایا عبارتند از عقول عَشْرَه که در عالم ارواح جای دارند. پیران نه گانه، سایر عقول، غیر از عقل فعال است.

این پیران که در بالای تو نشسته اند: پیران یعنی عقول، که به ترتیب، عقل اول از حق صادر شده است و عقل دوم از عقل اول و به همین طریق، تا عقل دهم. منظور از «بالا»، بالای مکانی نیست؛ بلکه بالای مرتبتی است.

فرزندان من بس بسیارند: فرزندان، یعنی موجودات ارضی، عناصر، انسان‌ها، حیوانات و جمادات و کل موجودات، به عقل فعال مربوط هستند.

آسیای چهار طبقه: همان چهار عنصر (آتش، هوا، آب و خاک) است که به ترتیب در زیر فلک قمر واقع شده است.

کنیزک حبشی: کنایه از اجسام (ماده) و عالم اجسام و خلاصه طبیعت است. در هنگامی که همه شرایط فراهم شد و از ناحیه افلاک،

می توان انگیزه و علت رمز آیینی سهروردی را افزایش بلاغت، ظرفیت کلام و یا آرایش گفتار و زیبایی کلام و همچنین ایجاد جاذبه معنوی و روحانی برای برانگیختن مریدان دانست. نام‌های رسایل و شیوه نگارش زیبا و شیوا و بیان سهروردی، همگی نشان دهنده ذوق و طبع لطیف و تخیل بی نظیر این حکیم نام آور است

انگیز می توان  
 رمز آیینی سهروردی  
 افزایش بلاغت  
 زیبایی کلام و  
 همچنین ایجاد  
 جاذبه معنوی و  
 روحانی برای  
 برانگیختن مریدان  
 دانست.

ماده فراهم شد، آنگاه روح بدو دمیده شود.

حجره زنان: منظور از حجره زنان، کدورات عالم اجسام است و نفوذ کردن آن، یعنی خود را از تعلق و وابستگی و مشغولی به عالم اجسام و تیرگی‌های مادی آن نجات دادن.

شب: عالم ماده و هیولی است، و «شب روشن»، صافی بودن از کدورت است. شب، کنایه از خال لب معشوق هم هست.

خیاطت: بخشیدن صورت به ماده است. همان گونه که خیاط با خیاطی به پیرهن صورت پیرهن می‌بخشد و خیاط علت فاعلی پیرهن است، عقل فعال به ماده صورت می‌بخشد و به این ترتیب، سلسله موجودات انتظام می‌یابد.

طبقه نخستین: فلک اطلس است که بی ستاره است.

خیش و مرقع: اشاره به بدن انسان دارد و مزاج او، که اعتدالش باعث صحت و تندرستی است.

علم غرور: دنیای خاکی، که ظلمانی است، فریبنده است و باطل، و وهم است و خیال.

هیکل: ماده و کالبد است.

### لغت موران

رساله لغت موران یکی از رسائل فارسی سهروردی است. این رساله چندین بار تا کنون چاپ شده است. اولین بار، اوتو اسپیس و ختک (Otto Spies and Khatak/1935)، آن را از روی یک نسخه خطی موجود در کتابخانه ایاصوفیه (شماره ۴۸۲۱، برگ ۸۸-۹۷) تصحیح و همراه با ترجمه انگلیسی آن و دو رساله دیگر، تحت عنوان سه رساله در تصوف چاپ کردند. همچنین متن فارسی این رساله به سال ۱۹۳۵ در مجله ۲۲۷ از روزنامه آسیایی، با ترجمه فرانسه به کوشش هانری کرین و پول کراوس به طبع رسید. دکتر سیدحسین عرب نیز آن را تصحیح و چاپ کرد و برای این منظور، از چاپ قبلی و یک نسخه خطی دیگر در مجموعه‌ای مشتمل بر آثار فارسی شیخ اشراق و متعلق به کتابخانه ملی ایران (۲۴۱۲) استفاده کرد. تاریخ کتابت نسخه کتابخانه ملی، ۶۵۹ است. این نسخه تا کنون قدیم‌ترین نسخه‌ای است که از رسائل سهروردی پیدا شده است (پورجوادی، ۱۳۸۰: ۳۶۲)

### ۱. کلیات رساله

لغت موران یکی از رساله‌های فارسی شیخ اشراق است که کاملاً جنبه صوفیانه دارد. شیخ این رساله را بنا به درخواست یکی از دوستان خود نوشته است. نام رساله از تمثیل اول گرفته شده است و لغت موران به معنی زبان یا گفت‌وگوی موران است. سهروردی رساله را با نام خدا و درود بر پیامبر آغاز می‌کند، که بیانگر اعتقاد و ایمان وی است. تعصبات مذهبی و اوضاع اجتماعی جامعه ایجاب می‌کرد وی سخن را به رمز بیان کند.

در این رساله، شیخ به کالبد موران درمی‌آید و صورت و شکل موران به خود می‌گیرد و با آنها همگام می‌شود و به زبان رمز و اشارت، راه و روش سیر و سلوک را بیان می‌کند و از موران چیزها می‌آموزد. موران رنجور برای به دست آوردن روزی خود، به دشت و صحرا می‌رود

و دشواری‌ها و ریاضت‌ها تحمل می‌کنند. همین‌مور، گاهی آن‌چنان متجلی به انوار ملکوت می‌شود که راهنمای سلیمان می‌گردد و ناجی وی می‌شود. در این رساله حکایاتی دیگر از زبان حیوانات و حشرات و مرغان، مانند لاک‌پشت، خفاش، هُدْهُد، بومان و آمدن مرغان به نزد سلیمان - بجز عندلیب و عقاب - و عتاب عندلیب و پرسش از علت غیبت او آمده است. همچنین حکایت جام گیتی‌نمای کیخسرو - که کنایه از دل صافی عارف است - و داستان انس گرفتن شخص با پادشاه جَنیان به طور اختصار آمده است، که از هر یک، نتیجه خاص عرفانی حاصل می‌شود.

## ۲. موضوع رساله

به طور کلی، موضوع رساله، سلوک باطن است؛ راهی که باید سالک طی کند تا از تعلقات مادی (مکان و جهت) بیرون آید و به ساحت ملکوت و قرب حق تعالی برسد. این مطلب را سهروردی با استفاده از تمثیل‌های متفاوت، به زبان داستان در این رساله بیان کرده است. رساله از ۹ فصل تشکیل یافته است. در فصل پنجم، چهار واقعه (داستان) بیان شده است. در این فصول، مجموعه تمثیلاتی زیبا درباره اصل لاهوتی انسان، محرومیت متجبران از ادراک حقیقت، بی‌ثمر بودن تعلیم و ارشاد کوردلان، محال بودن تجلی کامل در عالم ناسوت، فراموش کردن انسان اصل الهی خود را، سلوک برای واصل شدن به عالم بالا، جام گیتی‌نمای کیخسرو، آن فی قتل حیاتی و انا الحق ... آمده است.

## ۳. خصوصیات رساله

یکی از خصوصیات رساله این است که شیخ اشراق در این اثر ابیاتی متعدد به فارسی و به عربی نقل کرده است. در رسائل فارسی دیگر وی این همه شعر نقل نشده است. در آواز پر جبرئیل، حتی یک بیت شعر هم نقل نشده است. در این رساله گاهی اسم شاعران را ذکر کرده است. خصوصیت دیگر رساله، کثرت آیات قرآن، جملات و ابیات عربی است که در آن نقل شده است. این همه عبارات عربی و حتی گاهی لغات عربی که در این رساله به کار رفته، نثر وی را ثقیل کرده است. سهروردی این رساله را برای کسی نوشته که مانند خود او فارسی‌زبان بوده، اما عربی هم خوب می‌دانسته است. در حکایتی، هم از لفظ فارسی «سنگ‌پشت» استفاده کرده و هم از لفظ «سُلْحَفات». گویا برای او و خواننده فرقی نداشته است.

اهمیت رساله در نثر آن نیست؛ بلکه استفاده از شیوه‌های ادبی، تمثیل، نقل اشعار و ضرب‌المثل برای مقاصد عرفانی است. رمزهای فلسفی رساله نسبتاً کم است. بعضی از حکایت‌های آن شباهت به داستان‌ها و حکایت‌هایی دارد که در نظم و نثر فارسی آمده است. رساله لغت موران با بعضی از داستان‌های بودایی مجموعه جاتکه‌ها شباهت دارد (مجتبایی، ۱۳۸۰: ۱۹).

## ۴. پیام فصل‌های رساله

پیام تمثیل فصل اول: پیام داستان، مضمون سخن معروف «کل شیء یرجع الی أصله» است. سهروردی با استناد به آیات فوق و نمادها، منظور خود را بیان کرده است. وی از «ژاله» به عنوان نماد روح آدمی

بهره‌جسته که از آسمان به زمین آمده است، به اصل و مبدأ خود برمی‌گردد و اصل لاهوتی انسان را بیان می‌کند.

فصل دوم: سهروردی در این تمثیل معراج پیامبر و تجربه‌های صوفیان اصیل را که در حقیقت، بیرون رفتن از مکان و جهت‌شگانه است، بیان می‌کند. وی برداشتن حجاب‌ها و بیرون رفتن از مکان و جهت را لازمه رسیدن و واصل شدن به ساحت ملکوت می‌داند. سنگ‌پشتان در این تمثیل، بازماندگان از سلوک هستند که سخن حاکم (پیر طریقت) را درنیافتند و او را معزول کردند.

فصل سوم: شیخ در این داستان محال بودن تجلی کامل در عالم ناسوت را مطرح می‌کند. او برای بیان مطلب، از نمادهای ذکرشده و آیات قرآنی بهره گرفته است. سالک برای رسیدن به حق، باید آشیان تن را ترک کند، علایق را کنار بگذارد تا به ساحت ملکوت راه یابد.

فصل چهارم: سهروردی در این تمثیل راز اصلی معرفت را بیان کرده است. رمز «جام جم» یا «جام کیخسرو»، شاهبیت غزل عرفان و راز معرفت محسوب می‌شود. جام جهان‌نما نمودار دل سالک است. دل زمانی حقایق ملکوت را آشکار می‌سازد که از ده بند حواس ظاهری و باطنی خلاص شود و از عالم جسمانی بیرون آید. نکته مهم این حکایت، در عبارت «غلاف جام که چون ده بند آن گشاده بودی، جام بدر نیامدی و چون بسته بودی» است، که سهروردی نسبت معکوس، میان فعال بودن قوه روحانی و فعالیت حواس ظاهری و باطنی برقرار کرده است.

فصل پنجم: در این واقعه سهروردی تجلی کامل در عالم ناسوت را محال و فنا شدن را عامل بقا می‌داند.

فصل ششم: سهروردی در این داستان دلی را ترسیم می‌کند که همچون آینه، صاف و پاک شده است و می‌تواند نور حق را در خود منعکس کند. وی در این فصل می‌خواهد شطحیات کسانی مانند حلاج (انا الحق) و بایزید بسطامی (سبحانی ما اعظم شأنی) را توجیه کند.

فصل هفتم: در این فصل، سهروردی رابطه بین خداوند و جهان را به رابطه بین خانه و کدخدای خانه تشبیه کرده است. موعظه‌ای کوتاه، اما اساسی درباره سلوک است.

فصل هشتم: در این فصل به نکات صوفیانه اشاره شده و از «نفس» - به معنای صوفیانه آن (نفس اماره)، نه به معنی فلسفی آن (نفس ناطقه) - سخن گفته است. به این دلیل، باید با خواهش‌های نفس مخالفت کرد.

فصل نهم: در این بخش سهروردی علت ناپدید شدن چراغ در آفتاب را به صورت تمثیل آورده است. از نظر صوفیه، چراغ همان عقل است که با آنکه مدیر است، در برابر عشق عاجز است. این تمثیل با استناد به آیات قرآنی بیان شده است.

## ۵. چند نمونه از تمثیلات

ژاله: شبنم، نماد روح آدمی است که به اصل خویش برمی‌گردد. سُلْحَفات: جمع آن «سُلْحَف» است؛ لاک‌پشت (فرهنگ معین). در

اصطلاح، نفوسی هستند که از سیر و سلوک درمانده‌اند؛ بازماندگان از سلوک.

مرغ: نماد روحی است که از مکان بیرون است.

سلیمان: عقل کل، خداوند.

عندلیب: بلبل (فرهنگ معین). کنایه از روحی است که گرفتار زرق و برق دنیا باشد.

حربا: کنایه از نفسی صاف و روشن است که از انواع عالم بالا فیض دریافت می‌کند. حربا اشاره به حلاج است.

خفایش (بومان): کنایه از نفوسی که در ظلمت ماده غرق هستند؛ کسانی که در اثر شیفتگی به دنیا و بهره‌های آن، غرق در ظلمت شده‌اند و کور و کر و لال گردیده‌اند.

باغ: عالم ارواح و عقول است.

آب: چشمه‌های معرفت است.

طیور: منظور ارواح مجرد است که با الحان خوش، فیض بخشی می‌کنند.

طاووس: کنایه از روح گرفتار کالبد است که در جهان رنگ‌آمیزی گرفتار شده است.

ابله: کسی که نور معرفت به دلش نتابیده و از وادی حقیقت دور است.

چراغ: در اینجا همان چیزی است که صوفیه به آن «عقل» می‌گویند.

آفتاب: همان عشق است که عقل در برابر آن عاجز است.<sup>۶</sup>

### نتیجه

می‌توان انگیزه و علت رمزآینی سهروردی را افزایش بلاغت، ظرفیت کلام و یا آرایش گفتار و زیبایی کلام و همچنین ایجاد جاذبه معنوی و روحانی برای برانگیختن مریدان دانست. اهمیت این نوع رموز از این لحاظ است که سهروردی در استعمال آنها محدودیتی احساس نمی‌کرده و توانسته است با قوه بی‌نظیر خود، آنها را بیان کند. به همین سبب، پژوهش درباره این رموز و کشف مفاهیم آنها، کاری بسیار دشوار است و ملاک مشخصی برای دست یافتن به آنها وجود ندارد و کشف هر مورد یا حداکثر هر دسته از این رموز، نیازمند دقت و تحقیقی وسیع است و از طرف دیگر، اشتباه در مفاهیم و معانی واقعی این رموز موجب می‌شود مقاصد فلسفی و عرفانی وی آشکار نگردد.

البته آشنایی با دستگاه انوار و اشراقات شهاب‌الدین سهروردی و رمز و رموزات فلسفی و اساطیر ایران باستان، کلیدی برای درک آنهاست و همچنین دست‌یابی به مرادات شیخ، از قبیل «کنیزک حبشی و تقابل نظر او با نظر پیر دهم» (آواز پر جبرئیل) و نظایر اینها، مستلزم شناخت آراء فلسفی و عرفانی و تحلیل دقیق رسایل تمثیلی اوست.

نام‌های رسایل و شیوه نگارش زیبا و شیوا و بیان سهروردی، همگی نشان‌دهنده ذوق و طبع لطیف و تخیل بی‌نظیر این حکیم نام‌آور است.

### پی‌نوشت

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱. انوار اسفهبندی، همان نفوس ناطقه هستند؛ گرچه خود حاصل اشراقات اصحاب اصنامند، اما مدیر و مدبر برازخ جسمانی و قوای حیاتی عالم ما و سایر عوالم غیر نوری‌اند.
۲. سهروردی چون خورشید را از جهت افاضه نور و حرارت - به تبع سنن ایرانی - سرچشمه انتفاع عظیم دانسته، در مقالات خود گاهی از آن به نام «بزر اعظم» و گاهی به نام اوستایی وی، «هورخش» - که پارسی شده «هوره خشته» است - یاد می‌کند و او را واسطه افاضه کبان خره (فره کبانی) می‌داند (فرهنگ معین، ج ۶ ص ۳۱۰).
۳. «خره» یا «فره» در سنت اشراق و ایران باستان، ویژه بزرگان و رؤسا است و خره کبانی، ویژه ملوک و فرمانروایان و پهلوانان بزرگ. به قول سهروردی، اعطاء قوت و رای در افراد انسان می‌کند و موجب مزیت و برتری پاره‌ای از افراد بر پاره‌ای دیگر می‌شود. گویا این فره ایزدی، بجز فره‌هایی است که از عالم بالا در نهاد موجودات افاضه می‌شود (یشت‌ها، ابراهیم پورداوود، ص ۲۱۲).
۴. علم جفر، که آن را «علم الحروف» نیز می‌گویند، علمی است که اصحاب آن ادعا می‌کنند، به وسیله آن حروف، همه حوادث را تا انقراض عالم می‌شناسند و گروهی ادعا کرده‌اند که برای اولین بار، امیر مؤمنان، علی (ع)، از به کار بردن حروف بیست‌وهشتگانه تازی با طریقی مخصوص، توانست آنچه در لوح قضا و قدر بود، استخراج کند. این علم را اهل بیت از او به ارث برده‌اند و کاملان و دوستان خود را نیز از آن بهره‌مند ساختند. برخی از فلاسفه گویند: جفر عبارت از لوح قضاست، که از آن عبارت عقل کل کنند. گویند سیمیا نیز همین است. واضح است که بیشتر این مطالب بی‌اساس است.

۵ و ۶. برای شرح مبسوط‌تر، رک: سجادی ۱۳۷۶.

### کتابنامه

- پورجوادی، نصرالله، ۱۳۸۰، اشراق و عرفان. تهران: نشر دانشگاهی.
- پور داوود، ابراهیم، ۱۳۷۷، یشت‌ها. تهران: اساطیر
- پورنامداریان، تقی، ۱۳۶۴، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- حلبی، علی‌اصغر، ۱۳۷۶، مبانی عرفان و احوال عرفان. تهران: اساطیر
- سیدعرب، حسن، ۱۳۷۸، منتخبی از مقالات فارسی درباره شیخ اشراق. تهران: شفعی.
- سجادی، دکتر سیدجعفر، ۱۳۷۶، شرح رسائل فارسی سهروردی. تهران: سوره.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۲، تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوسی.
- غفاری، سیدمحمد خالد، ۱۳۸۰، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- محبتی، مهدی، ۱۳۷۹، سیمرغ در جست‌وجوی قافد تهران: سخن.
- مجتبابی، فتح‌الله، ۱۳۸۰، سهروردی و فرهنگ ایران باستان. مجله ادبیات و فلسفه، سال پنجم، شماره ۵۰ و ۵۱.
- معین، محمد، ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- نصر، دکتر سیدحسین، ۱۳۷۱، سه حکیم مسلمان. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- وراوینی، سعدالدین، مرزبان‌نامه. تصحیح علامه قزوینی. رشده
- همایی، جلال‌الدین، ۱۳۶۲، تصوف در اسلام. تهران: هما.